

The Social Reflections of Justice-Orientedness in Urban Life: An Islamic Approach

Mohammad Bahrami¹

Abstract

Justice, as a fundamental principle in the Islamic social system, plays a pivotal role in fostering solidarity, welfare, and social sustainability. This concept is not merely an ethical value but also an operational mechanism for achieving sustainable development and enhancing the quality of life in Islamic societies. According to Islamic teachings, justice—by securing citizens' rights, reducing discrimination, establishing balance in resource distribution, and strengthening social cohesion—lays the groundwork for achieving social and political security. The findings of this research indicate that a justice-oriented approach significantly contributes to reducing social inequalities, improving the quality of life, increasing the sense of security, stabilizing natural and human resources, strengthening governmental legitimacy, and consolidating social bonds. The primary objective of this study is to examine the social reflections of justice-orientation in urban life from an Islamic perspective and to analyze its effects on shaping a healthy, just, and sustainable society. The present research employs a qualitative content analysis method to examine Quranic verses, narrations (Hadiths), and the conduct of the Infallibles (the Prophet and Imams). Data were collected and analyzed from reliable library sources. The innovation of this study lies in its emphasis on the social consequences of justice in urban life from an Islamic viewpoint and its comparison with contemporary sociological perspectives. The research findings can contribute to offering practical solutions for urban and social policymaking and provide a foundation for future studies in this field.

Keywords: Justice, Urban Life (Habitat), Social Reflections, Islamic Approach, Quran.

1. Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Research Institute, (Corresponding Author)
m.bahrami@isca.ac.ir

بازتاب‌های اجتماعی عدالت‌محوری در زیست شهری: رویکرد اسلامی*

محمد بهرامی^۱

چکیده

عدالت به‌عنوان یکی از اصول بنیادین در نظام اجتماعی اسلام، نقشی کلیدی در ایجاد همبستگی، رفاه و پایداری اجتماعی برعهده دارد. این مفهوم نه‌تنها یک ارزش اخلاقی، بلکه سازوکاری اجرایی در تحقق توسعه پایدار و ارتقای کیفیت زندگی در جوامع اسلامی به‌شمار می‌آید. در آموزه‌های اسلامی، عدالت با تأمین حقوق شهروندان، کاهش تبعیض، برقراری توازن در توزیع منابع و تقویت انسجام اجتماعی، زمینه‌ساز تحقق امنیت اجتماعی و سیاسی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد عدالت‌محوری در کاهش نابرابری‌های اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی، افزایش احساس امنیت، تثبیت منابع طبیعی و انسانی، تقویت مشروعیت حکومت‌ها و تحکیم پیوندهای اجتماعی تأثیری بسزا دارد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی بازتاب‌های اجتماعی عدالت‌محوری در زیست شهری از منظر اسلامی و تحلیل آثار آن در شکل‌دهی به یک جامعه سالم، عادلانه و پایدار است. پژوهش پیش‌رو با روش تحلیل محتوای کیفی آیات قرآن، روایات و سیره معصومین را بررسی می‌کند. داده‌های پژوهش از منابع معتبر کتابخانه‌ای گردآوری و تحلیل شده‌اند. نوآوری این پژوهش در تأکید بر پیامدهای اجتماعی عدالت در زیست شهری از منظر اسلامی و مقایسه آن با دیدگاه‌های جامعه‌شناختی معاصر است. یافته‌های پژوهش می‌تواند به ارائه راهکارهای عملی در سیاست‌گذاری‌های شهری و اجتماعی کمک کند و مبنایی برای مطالعات آینده در این حوزه فراهم سازد.

واژگان کلیدی: عدالت، زیست شهری، بازتاب‌های اجتماعی، رویکرد اسلامی، قرآن.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۲۶، تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۳/۱۷.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jtc.2025.71572.1055

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. (نویسنده مسئول) m.bahrami@isca.ac.ir

(ORCID: 0000-0002-1748-4051)



مقدمه

عدالت یکی از اصول بنیادین و محوری در نظام معرفتی و اجتماعی اسلام است که نقشی اساسی در ایجاد تعادل، همبستگی و رفاه در جوامع برعهده دارد. در آموزه‌های قرآنی، عدالت نه تنها یک ارزش اخلاقی و الهی، بلکه قاعده‌ای برای نظم هستی و تنظیم روابط انسانی است. با این حال، آنچه در این پژوهش نه تنها مفهوم «عدالت» در معنای انتزاعی یا اخلاقی آن مدنظر قرار دارد، بلکه بر رویکرد «عدالت محوری» به عنوان یک جهت گیری فعال و ساختاری در حیات شهری تأکید می شود.

عدالت محوری به معنای نهادینه سازی عدالت در سیاست گذاری ها، ساختارهای نهادی و فرآیندهای اجتماعی است؛ به گونه ای که عدالت نه تنها ارزش، بلکه محور تصمیم سازی، توزیع فرصت ها و طراحی فضای زیست شهری باشد. از این منظر، عدالت محوری، رویکردی پویا و عمل گراست که زمینه تحقق پایداری اجتماعی، مشروعیت سیاسی و رفاه عمومی را فراهم می کند.

پژوهش پیش رو، با تکیه بر مرجعیت قرآن و روایات اسلامی، در پی تبیین بازتاب های اجتماعی عدالت محوری در زیست شهری است و در عین حال، با نگاهی تطبیقی به نظریه های جامعه شناختی معاصر، ظرفیت های این رویکرد را برای حکمرانی شهری در جوامع اسلامی بررسی می کند. نویسندگان می کوشند که عدالت محوری چگونه می تواند الگویی بومی و کارآمد برای توسعه شهری و تأمین منافع عمومی ارائه دهد.

پیشینه

عدالت و ابعاد اجتماعی آن همواره از محورهای اصلی در اندیشه اسلامی و مطالعات اجتماعی معاصر بوده است. با این وجود، بررسی پیشینه پژوهش ها نشان می دهد که بیشتر مطالعات صورت گرفته یا به صورت نظری به تبیین جایگاه عدالت در قرآن و سنت پرداخته اند یا در حوزه علوم اجتماعی، عدالت را در چارچوب توزیع منابع شهری، عدالت قضایی یا مدیریت خدمات عمومی مورد توجه قرار داده اند. در این میان، تحلیل پیامدهای اجتماعی عدالت محوری - آن هم در بستر زیست شهری - به صورت منسجم و تلفیقی مطالعه نشده است.

بخشی قابل توجه از پژوهش‌های اسلامی، عدالت را بیشتر به عنوان یک ارزش اخلاقی و دینی مطرح ساخته‌اند و کمتر به آثار نهادی، اجتماعی و ساختاری آن در محیط زندگی شهری توجه کرده‌اند. از سوی دیگر، رویکردهای جامعه‌شناختی نیز هر چند به عدالت توزیعی، امنیت اجتماعی یا رفاه عمومی پرداخته‌اند، اما معمولاً با مبانی معرفتی و اخلاقی دین پیوندی نداشته‌اند. همچنین مطالعات تطبیقی میان نگاه اسلامی و جامعه‌شناختی به عدالت، بیشتر در سطح مباحث مفهومی و نظری باقی مانده است و به واکاوی پیامدهای اجتماعی عدالت در نظام زیست شهری نپرداخته‌اند.

در این میان، نبود پژوهشی که عدالت‌محوری را نه تنها از جهت مفهومی، بلکه از زاویه آثار اجتماعی آن در زیست شهری - همچون تقویت انسجام اجتماعی، افزایش مشروعیت حاکمیت، رفاه عمومی و امنیت اجتماعی - تحلیل کند و این تحلیل را بر پایه آیات قرآن و روایات استوار سازد، مشهود است. بر این اساس، این پژوهش به دنبال پر کردن این خلأ سامان یافته است و نویسنده می‌کوشد با اتکا به مرجعیت قرآن و در تعامل با نظریات اجتماعی معاصر، بازتاب‌های عینی و اجتماعی عدالت را در ساختارهای شهری اسلامی تبیین نماید.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و بر پایه روش تحلیل محتوای قیاسی - تماتیک انجام شده است. هدف از این تحلیل، استخراج و تبیین پیامدهای اجتماعی عدالت‌محوری در زیست شهری با تکیه بر آموزه‌های اسلامی و مقایسه آن با دیدگاه‌های جامعه‌شناختی معاصر است.

داده‌های پژوهش دربردارنده آیات قرآن کریم، روایات و سیره اهل بیت مستخرج از منابع تفسیری و حدیثی است. افزون بر این با هدف تقویت تحلیل تطبیقی، آثار برجسته‌ای از جامعه‌شناسانی چون دورکیم، گیدنز، وبر و دیگر اندیشمندان اجتماعی بررسی و تحلیل شده است.

فرآیند تحلیل با گذر از چند مرحله سامان گرفت. نخست مفاهیم و گزاره‌هایی از متون اسلامی که به عدالت اجتماعی، نظم، رفاه، امنیت، مشروعیت و انسجام جمعی اشاره دارند، شناسایی شده و به عنوان واحدهای معنایی استخراج گردیدند. در مرحله دوم این واحدها در



قالب کدهای مفهومی اولیه مانند «عدالت کیفری»، «برابری در فرصت‌ها»، «امنیت روانی» و «توزیع منابع» صورت‌بندی شدند. در مرحله سوم، کدهای مشابه در دسته‌هایی منسجم تجمع و به صورت تم‌های میانی تنظیم شدند. در آخرین مرحله با تحلیل محتوایی تم‌ها و ارجاع به مبانی اسلامی، بازتاب‌های اجتماعی عدالت‌محوری در زیست شهری مانند «تحکیم نظم اجتماعی»، «ارتقای رفاه عمومی»، «تقویت امنیت اجتماعی»، «مشروعیت حکومت» و «پایداری منابع» استخراج گردیدند.

در پایان با هدف افزایش انسجام تحلیلی و اطمینان از اعتبار یافته‌ها، هر یک از مضامین قرآنی در پرتو تفسیر روایی و تحلیل‌های جامعه‌شناختی بررسی و تفسیر شدند. این روش که به نوعی مثلث‌سازی نظری به‌شمار می‌آید، امکان بررسی یک مفهوم از سه زاویه قرآنی، روایی و اجتماعی را فراهم می‌سازد و استحکام استنتاج‌ها و مقایسه‌ها را تقویت می‌کند.

چارچوب معنایی (مفهومی)

در این پژوهش، سه مفهوم کلیدی «عدالت»، «زیست شهری» و «بازتاب‌های اجتماعی عدالت» به‌عنوان پایه‌های تحلیلی مورد توجه قرار گرفته‌اند. مفهوم عدالت در قرآن، مفهومی بنیادین و چند لایه است که افزون بر بعد فردی و اخلاقی، جنبه اجتماعی و ساختاری نیز دارد.

«عدالت» از منظر اسلامی به معنای رعایت توازن، انصاف و قرار دادن هر چیز در جایگاه شایسته خود است. این معنا هم عدالت توزیعی و هم عدالت رویه‌ای و تعاملی را پوشش می‌دهد. در سطح زیست اجتماعی، عدالت قرآنی ناظر به توزیع عادلانه منابع، دسترسی برابر به فرصت‌ها، نفی تبعیض و رعایت حقوق انسانی و شهروندی است. از این منظر، شاخص‌هایی مانند برابری در برخورداری از مسکن، امنیت اجتماعی، عدالت قضایی، مشارکت سیاسی و فرصت‌های اقتصادی می‌تواند معیار تحقق عدالت در محیط شهری باشد.

مفهوم «زیست شهری» در این پژوهش تنها به فضای فیزیکی و خدماتی محدود نیست، بلکه در بردارنده شبکه‌ای از روابط انسانی، ساختارهای نهادی، و بسترهای فرهنگی و اقتصادی زیست انسان است. در چارچوب اسلامی، شهر نه تنها محل زندگی، بلکه محل تحقق عدالت، مشارکت، امنیت، و معنویت است. قرآن با اشاره به جوامعی که به دلیل ظلم و بی‌عدالتی دچار

فروپاشی شدند، نشان می‌دهد که زیست شهری تنها در سایه عدالت قابلیت پایداری را دارد و بدون عدالت به نیستی می‌انجامد. «بازتاب‌های اجتماعی عدالت» نیز در این پژوهش به آثار و پیامدهای اجتماعی عدالت‌محوری در ساختارهای شهری اشاره دارد. این بازتاب‌ها در قالب تم‌هایی مانند تحکیم نظم اجتماعی، ارتقای رفاه عمومی، کاهش نابرابری‌ها، تقویت همبستگی اجتماعی، مشروعیت سیاسی، پایداری منابع و انسجام ملی طبقه‌بندی شده‌اند. هر یک از این مؤلفه‌ها در آیات و روایات مورد تأکید قرار گرفته‌اند و از طریق تحلیل محتوایی به‌عنوان پیامدهای عدالت استخراج گردیده‌اند.

۱. نقش عدالت‌محوری در شکل‌دهی به زیست شهری پایدار

عدالت در اسلام یک اصل بنیادی و کلیدی در شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، حکومتی و زیست محیطی شناخته می‌شود. این اصل نه تنها دارای بازتاب‌های فردی بلکه برخوردار از پیامدهای گسترده‌تر زندگی شهری است و بازتاب‌های مهمی در زیست شهری دارد. شماری از مهمترین بازتاب‌های اجتماعی قرآن عبارتند از:

۱-۱. تحکیم نظم اجتماعی و پایداری جامعه

یکی از مهم‌ترین پیامدهای عدالت‌محوری در قرآن، تحکیم نظم اجتماعی و پایداری جامعه است. عدالت‌محوری به شکل‌گیری یک محیط منصفانه و عادلانه جهت توزیع منابع و فرصت‌ها کمک می‌کند و این مهم، اعتماد عمومی را تقویت می‌کند، تضادها و نارضایتی‌ها را کاهش می‌دهد و مشارکت و همبستگی میان افراد جامعه را می‌افزاید که در نتیجه آن، نظم اجتماعی و پایداری جامعه تقویت می‌گردد.

۱-۱-۱. نگاه اسلامی

پیامد یادشده از نگاه اسلام یک پیامد پذیرفته‌شده و مسلم است. برای نمونه آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾ (حدید/۱۷) به تفسیر اهل بیت (علیهم‌السلام) عدالت‌محوری را عامل حیات جامعه می‌داند. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز بی‌عدالتی و تبعیض کیفری میان اغنيا و ضعفا را عامل هلاکت



جامعه و به حکم تقابل عدالت و بی‌عدالتی، عدالت را عامل تحکیم و پایداری جامعه معرفی می‌کند: «إِنَّمَا هَلَكَ الَّذِينَ قَبْلَكُمْ... وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكُوهُ وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ» (صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۱۴) امام علی (علیه السلام) نیز در روایت «الْعَدْلُ قَوَامُ الرِّعْيَةِ، وَكَمَالُ الْوَلَاةِ» (غررالحکم، ج ۳۲۴۸؛ نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۱ ص ۳۱۸؛ لیبی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۰) نقش عدالت در روابط انسانی و حکومت داری را برجسته می‌کند و پایداری جامعه را وابسته به عدالت‌محوری می‌داند و در روایت «العدل قوام البریه و الظلم بوار الرعیه» (غررالحکم، ص ۳۳۹) عدالت را قاعده‌ای فراگیر در عالم هستی برمی‌شمارد که پایداری همه موجودات و نظم کل هستی نتیجه آن است. براین اساس، عدالت نه تنها به ایجاد نظم در جامعه یاری می‌رساند، بلکه بستری را فراهم می‌سازد که جامعه در آن بستر پایداری و انسجام دائمی می‌یابد.

۱-۱-۲. نگاه جامعه‌شناختی

در اندیشه جامعه‌شناسان نیز عدالت عامل کلیدی برای تقویت ثبات اجتماعی و انسجام جامعه و اصولاً شکل‌گیری جامعه، شناخته می‌شود. برای نمونه توکویل، عدالت را عامل اصلی و کلیدی شکل‌گیری جامعه برمی‌شمارد و بی‌عدالتی را عامل ناپایداری جامعه می‌داند. (رک: توکویل، ۱۳۴۷ ص ۴۹۰). پیتر بلا نیز عدالت‌محوری در روابط مبادله‌ای میان فرودستان و فرادستان را مانع شکل‌گیری حرکت‌های اعتراضی و شورش می‌داند و بی‌عدالتی را عامل ناراحتی و خشم طبقه فرودستان نسبت به فرادستان و در نتیجه، ناپایداری اجتماعی می‌بیند. (توسلی، ۱۳۶۹، ص ۴۲۰-۴۲۱). گیدنز نیز همسو با دیگران تعادل آزادی و عدالت را عامل رضایت شخصی افراد، مانع رفتارهای کجروانه و زمینه‌ساز نظم اجتماعی می‌داند و در نتیجه، بی‌عدالتی را عامل ویرانی و تباهی جامعه معرفی می‌کند. (گیدنز، ۱۳۸۶ ص ۳۴۹)

۱-۱-۳. مقایسه

در هر دو نگاه اسلامی و جامعه‌شناختی، عدالت عاملی کلیدی تقویت نظم اجتماعی و پایداری جامعه شناخته می‌شود، اما با این تفاوت که در نگاه اسلامی عدالت یک اصل دینی و معنوی جهت تحقق انسجام اجتماعی شناخته می‌شود که با ایمان و عمل به دستورات الهی

رابطه‌ای مستقیم دارد؛ درحالی‌که در نگاه جامعه‌شناسان عدالت بیشتر ابزاری اجتماعی و ساختاری برای مدیریت روابط انسانی و سیاسی در نظر گرفته می‌شود.

۲-۱. عدالت‌محوری به مثابه مبنای رفاه عمومی

عدالت‌محوری در جوامع اسلامی عامل بنیادین ارتقای رفاه اجتماعی است. این رویکرد موجب کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، تقویت شبکه‌های اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی می‌شود. در نتیجه، رفاه عمومی یک دستاورد اجتماعی عدالت‌محوری در نظر گرفته می‌شود که نه تنها در ابعاد اقتصادی، بلکه در بهبود کیفیت زندگی اجتماعی و تقویت همبستگی جمعی نیز نقش دارد. عدالت‌محوری در این چارچوب، بستری مناسب برای کاهش تنش‌ها و ایجاد مشارکت‌های جمعی فراهم می‌آورد که به‌طور کلی موجب ارتقای کیفیت زندگی و انسجام اجتماعی می‌شود.

۱-۲-۱. نگاه اسلامی

در دیدگاه اسلامی، رفاه عمومی یکی از پیامدهای مهم عدالت‌محوری است. برای نمونه، پیامبر اسلام ﷺ بر جنبه‌های کلان و جهانی عدالت تأکید می‌کند و عدالت‌محوری پس از ظهور حضرت حجت ﷺ را عامل رفاه عمومی و برکات الهی برمی‌شمارد: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» (صدوق، ۱۴۱۷، ص ۷۸؛ الاعتقادات فی دین الامامیه، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴، ص ۹۵؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱، ص ۴۷؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۵). امام صادق (علیه السلام) به آثار عملی و ملموس عدالت‌محوری در یک جامعه خاص و در سطح روابط اجتماعی اشاره می‌کند و عدالت‌محوری را عامل نزول برکات الهی، تأمین روزی و بهبود وضعیت معیشتی مردم معرفی می‌کند: «إِنَّ النَّاسَ يَسْتَغْنُونَ إِذَا عَدِلَ بَيْنَهُمْ، وَتَنَزَّلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا، وَتُخْرَجُ الْأَرْضُ بِرَكَّتِهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۵۶۸؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۱۳۶؛ حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۱۵۳).

۲-۲-۱. نگاه جامعه‌شناختی

در نگاه جامعه‌شناسان، عدالت نه تنها به رفع نابرابری‌ها و ایجاد تعادل میان گروه‌های



اجتماعی کمک می‌کند، بلکه با تقویت اعتماد عمومی و ارتقای تعاملات اجتماعی، موجب بهبود رفاه جمعی می‌شود که در نتیجه آن، تعارضات اجتماعی کاهش می‌یابد، همکاری‌های جمعی افزایش می‌یابد و زمینه مناسب جهت افزایش پایدار رفاه عمومی فراهم می‌گردد. برای نمونه امیل دورکیم عدالت را اصل بنیادی در تقسیم کار و منابع و از ارکان حفظ انسجام اجتماعی و تضمین تحقق رفاه عمومی می‌داند و بی‌عدالتی را عامل بحران‌های اجتماعی و نابرابری‌های اقتصادی و مؤثر در عدم تحقق رفاه عمومی برمی‌شمارد. (دورکیم، ۱۳۸۱، ص ۳۳۷). آنتونی گیدنز از بازتاب‌های مثبت عدالت اجتماعی بر ساختارهای اجتماعی و رفاه عمومی می‌گوید و عدالت‌محوری در توزیع منابع و فرصت‌ها را عامل کاهش نابرابری‌ها و بهبود رفاه عمومی می‌شناسد. (گیدنز، ۱۳۸۶ ص ۳۴۹-۳۵۰). استفن مور، عدالت‌محوری در تقسیمات اجتماعی را عامل رفاه و تندرستی می‌داند و نابرابری در تقسیمات اجتماعی به‌ویژه تقسیمات مبتنی بر طبقه، نژاد و جنسیت را عامل نابرابری‌های تندرستی برمی‌شمارد. (استفن مور، ۱۳۷۶، ص ۳۱۵-۳۱۶).

۱-۲-۳. مقایسه

در هر دو نگاه اسلامی و جامعه‌شناختی، عدالت عاملی کلیدی برای تقویت رفاه عمومی شناخته می‌شود، با این تفاوت که در نگاه اسلامی تأکید بر بُعد معنوی و دینی عدالت به‌عنوان ابزاری برای تأسیس حکومت مبتنی بر ارزش‌های الهی و تقویت رفاه عمومی است و در نگاه جامعه‌شناختی عدالت سازوکاری اجتماعی برای کاهش تضادها و تقویت سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود.

۱-۳. کاهش تنش‌ها و تقویت امنیت اجتماعی

یکی از پیامدهای آشکار عدالت‌محوری، کاهش تنش‌های اجتماعی و تقویت امنیت اجتماعی است. در جوامع عدالت‌محور، نابرابری‌ها کم می‌شود و حقوق افراد به‌صورت برابر تضمین می‌گردد و در نتیجه، تضادهای اجتماعی، کاهش می‌یابد، اعتماد عمومی افزایش می‌یابد و جامعه با برخورداری از فضایی پایدار و هماهنگ، دارای امنیت اجتماعی استوار می‌گردد.

۱-۳-۱. نگاه اسلامی

از منظر اسلامی، عدالت‌محوری امنیت اجتماعی را تأمین می‌کند و افراد جامعه را در آرامش قرار می‌دهد. برای نمونه حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در خطبه فدکیه، از نقش عدالت‌محوری در ایجاد آرامش روانی و کاهش اضطراب‌های اجتماعی سخن می‌گوید و تقویت احساس امنیت اجتماعی را از آثار عدالت‌محوری برمی‌شمارد: «فَفَرَضَ اللَّهُ... وَالْعَدْلُ تَسْكِينًا لِلْقُلُوبِ» (صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۴۸؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۸). ایشان در فرازی دیگر نقش عدالت‌محوری در تقویت احساس امنیت و آرامش اجتماعی را مورد تأکید قرار می‌دهد و اجرای عادلانه احکام را موجب افزایش اعتماد و رضایت عمومی و نزدیکی مردم به حکومت می‌داند که خود، عامل کاهش تنش‌ها و ایجاد محیطی امن و با ثبات است: «فَرَضَ اللَّهُ... الْعَدْلَ فِي الْأَحْكَامِ إِيْنَسًا لِلرَّعِيَّةِ» (فیض کاشانی، الوافی، ج ۵، ص ۱۰۶۳).

۱-۳-۲. نگاه جامعه‌شناختی

جامعه‌شناسان نیز بر نقش عدالت‌محوری در تأمین امنیت و آرامش تأکید دارند، اما این نقش را از طریق کاهش تضادها و تعارضات اجتماعی می‌دانند. برای نمونه، دورکیم بی‌عدالتی در تقسیم کار را زمینه‌ساز تنازع و اختلاف طبقات اجتماعی می‌بیند و عدالت‌محوری را عامل رضایت تمام گروه‌ها از نقش خود در تقسیم کار و کاهش تنش‌ها و تقویت امنیت اجتماعی برمی‌شمارد (دورکیم، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰-۱۲۴). هومنز نیز در صورت‌بندی نظریه مبادله معتقد است تناسب هزینه و پاداش کنش‌گران، عدالت بوده و مانع اختلاف و تنش و عامل امنیت اجتماعی است و در مقابل، عدم تناسب پاداش و هزینه را بی‌عدالتی و عامل اختلاف و ناامنی اجتماعی می‌داند. (ر.ک: میرسندسی، چشم انداز جامعه‌شناسی به عدالت ص ۱۰۹-۱۱۰) توکیل نیز بر نقش عدالت‌محوری در جلوگیری از آشوب و تنش‌های اجتماعی تأکید دارد و عدالت‌محوری را یک راهبرد مهم حکومتی جهت جلوگیری از آشوب، تنش و انقلاب و وظیفه مهم حکومت می‌بیند. (ر.ک: توکیل، ۱۳۴۷، ص ۴۹۳)

۱-۳-۳. مقایسه

هر دو نگاه اسلامی و جامعه‌شناختی، عدالت‌محوری را عامل کاهش تنش و تقویت امنیت

اجتماعی می‌شناسند و بر انسجام و آرامش اجتماعی تأکید دارند، با این تفاوت که در نگاه اسلامی، عدالت محوری، ابزاری جهت تسکین قلوب و ایجاد انسجام اجتماعی است، اما در نگاه جامعه‌شناختی، عدالت محوری بیشتر توجه به ابعاد ساختاری عدالت است و نقش آن در نظم اجتماعی و کاهش تعارضات و بهبود عملکرد نهادها تبیین شده می‌شود.

۱-۴. تحقق اصلاح اجتماعی و بازسازی پیوندهای جمعی

عدالت از طریق اصلاح ساختارهای ناکارآمد و رفع بی‌عدالتی‌ها، زمینه‌ایجاد تغییرات مثبت را فراهم می‌آورد و موجب تقویت اصول اخلاقی و بهبود رفتارها و روابط اجتماعی می‌شود. این فرآیند به ارتقای فرهنگ عمومی و کاهش فساد در جامعه کمک می‌کند و به‌صورت مستقیم موجب تقویت پیوندهای جمعی و مشارکت میان اعضای جامعه می‌گردد. عدالت محوری از طریق نهادهای سازش‌آمیز ارزش‌های اخلاقی، بستر لازم برای تقویت همکاری و مسئولیت‌پذیری جمعی را به‌وجود می‌آورد و جامعه را به سمت زیستی پایدارتر، سالم‌تر و عادلانه‌تر هدایت می‌کند.

۱-۴-۱. نگاه اسلامی

در نگاه اسلامی، عدالت محوری عامل کلیدی در تحقق اصلاح اجتماعی و بازسازی پیوندهای جمعی است. برای نمونه امام علی (علیه السلام) عدالت را قاعده‌ای فراگیر برای اصلاح همه جنبه‌های زندگی در نظر می‌گیرد. در نگاه امام علی (علیه السلام)، عدالت محوری به اصلاحات در سطح کلان و گسترده اعم از اجتماعی، انسانی و حتی محیطی می‌انجامد و ساختارهای معیوب را ترمیم می‌کند و جامعه را به سوی پایداری و همبستگی رهنمون می‌سازد: «فِي الْعَدْلِ إِصْلَاحُ الْبَرِيَّةِ» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۱۸) و «الْعَدْلُ يَصْلِحُ الْبَرِيَّةَ» (واسطی، بی‌تا، ص ۴۱)

۱-۴-۲. نگاه جامعه‌شناختی

دیدگاه جامعه‌شناسان در زمینه نقش عدالت محوری در اصلاح ساختارهای اجتماعی و تقویت روابط جمعی، بر اهمیت عدالت به عنوان عاملی کلیدی برای کاهش نابرابری‌ها و بازسازی پیوندهای اجتماعی تأکید دارد؛ هرچند هر یک از این متفکران با رویکرد خاص خود به

بررسی این موضوع پرداخته‌اند. برای نمونه دورکیم عدالت را بنیان و مدار سازنده زندگی اجتماعی و همبستگی قرار می‌دهد و بی‌عدالتی را عامل انحراف زندگی اجتماعی از مسیر طبیعی خود معرفی می‌کند. (دورکیم، تقسیم کار ص ۳۴۱). برهمین اساس، نظریه «تقسیم کار» دورکیم و بنیان آن بر عدالت‌محوری، اصولاً به یک فرایند توسعه و ترقی از جوامع ابتدایی به جوامع جدید توجه دارد (تی، بی تا تومور، ۲۵۳۶، ص ۳۲۳) و آشکار است که توسعه و ترقی بار تکاملی و اصلاحی دارد.

جورج هربرت مید، عدالت‌محوری را موجب اصلاح و حفظ ساختار اجتماعی در برابر کسانی می‌داند که با عموم مردم دشمنی می‌کنند و منافع و ارزش‌های اجتماعی را تهدید می‌کنند (کوزر، ۱۳۸۳، ص ۴۷۴).

۱-۴-۳. مقایسه

در هر دو نگاه اسلامی و جامعه‌شناسی، عدالت عامل کلیدی اصلاح ساختارهای اجتماعی و تقویت روابط انسانی در نظر گرفته شده و توان عدالت در کاهش ناهنجاری‌ها و شکاف‌های اجتماعی و تقویت همبستگی و انسجام اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است و تفاوت دو نگاه در مبانی و اهداف است. در نگاه اسلامی، عدالت نه تنها ابزاری برای اصلاح جامعه، بلکه یک ارزش الهی و معنوی است که هدف آن تعالی اخلاقی و نزدیکی به خداوند است. در مقابل، جامعه‌شناسان بیشتر بر عدالت به عنوان عاملی سکولار و نهادی تأکید دارند که هدف آن مدیریت بهتر روابط اجتماعی و حفظ کارکرد مطلوب نظام‌های اجتماعی است.

۱-۵. پایداری منابع و بهره‌برداری عادلانه

پایداری منابع و بهره‌برداری عادلانه یکی از پیامدهای بنیادی عدالت‌محوری است که تأثیرات عمیق اجتماعی دارد. عدالت با تقویت احساس مسئولیت‌پذیری و ایجاد همبستگی اجتماعی، بستری فراهم می‌کند که منابع و فرصت‌ها به صورت عادلانه و متوازن میان افراد توزیع شوند. این فرایند به تقویت مشارکت اجتماعی و کاهش اختلافات منجر شده و جامعه را به سمت بهره‌برداری پایدارتر از منابع سوق می‌دهد. از منظر اجتماعی، عدالت در بهره‌برداری از



منابع نه تنها ضامن حفظ وحدت اجتماعی است، بلکه به کاهش تضادها و ارتقای رفاه عمومی یاری می‌رساند.

۱-۵-۱. نگاه اسلامی

در آموزه‌های اسلامی نیز عدالت عامل اصلی پایداری منابع و جلوگیری از زوال نعمت‌ها شناخته می‌شود. برای نمونه امام علی (علیه السلام) و بی‌عدالتی را عامل زوال نعمت‌ها و نزول نعمت‌ها می‌داند و این در حالی است که عدالت محوری با توزیع عادلانه منابع و جلوگیری از تضییع حقوق افراد، پایداری منابع و بهره‌برداری عادلانه از آنها را تضمین می‌کند. ایشان در فرازی دیگر بر نقش بی‌بدیل عدالت در حفظ نعمت‌ها تأکید می‌کنند و بی‌عدالتی را عامل اصلی تغییر نعمت‌های الهی برمی‌شمارند: «وَلَيْسَ شَيْءٌ أَدْعِي إِلَيَّ تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَتَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَةِ عَلَيَّ ظُلْمٍ» (نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح ص ۴۲۹). امام رضا (علیه السلام) نیز ضمن اشاره به پیوند عدالت و پایداری نعمت‌ها، عدالت محوری را عامل حفظ و دوام نعمت‌های الهی در جامعه معرفی می‌کنند: «اسْتِعْمَالُ الْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ مُؤَدِّئٌ بِدَوَامِ النِّعْمَةِ» (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶). بنابراین عدالت محوری نه تنها ضامن استفاده بهینه از منابع است، بلکه به ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی نیز منجر می‌شود.

۱-۵-۲. نگاه جامعه‌شناختی

پایداری منابع و بهره‌برداری عادلانه به عنوان پیامدی از عدالت محوری، هرچند به صورت مستقیم در نظریات جامعه‌شناسی مطرح نشده است، اما مفاهیم مشابه آن در چارچوب عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه منابع مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. برای نمونه دورکیم در نظریه‌های خود درباره همبستگی اجتماعی تأکید می‌کند که عدالت با کاهش تضادهای طبقاتی و تقویت همبستگی، به ثبات اجتماعی و بهره‌برداری پایدار از منابع یاری می‌رساند (دورکیم، تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، ص ۳۳۲-۳۳۵).

لومان نیز عدالت را مانع شکل‌گیری تنش‌ها و بحران‌های اجتماعی از یک سو و افزایش توانایی سیستم اجتماعی در حفظ پایداری و پاسخ‌گویی به چالش‌ها و در نتیجه، پایداری منابع و بهره‌برداری عادلانه می‌شناسد. (لومان، نظریه سیستم‌های اجتماعی، ترجمه حسن پویان،

رابرت پاتنام نیز پایداری منابع را از نتایج غیر مستقیم عدالت محوری می‌داند. به باور ایشان عدالت محوری، سرمایه اجتماعی، اعتماد متقابل و روابط انسانی را تقویت می‌کند و در نتیجه، منابع به صفت پایداری متصف می‌شوند و بهره‌برداری عادلانه از منابع تحقق می‌یابد. (دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، ص ۱۲۰-۱۲۵).^۱

نظریات سه شخصیت یادشده نشان می‌دهد عدالت اجتماعی با بازسازی ساختارهای اجتماعی و توزیع عادلانه منابع، در ایجاد پایداری منابع، نقشی کلیدی بر عهده دارد.

۱-۵-۳. مقایسه

در هر دو نگاه اسلامی و جامعه‌شناسی، بر عدالت به عنوان ابزاری برای ایجاد پایداری در منابع و بهره‌برداری عادلانه از آنها تأکید شده است؛ با این تفاوت که اسلام، عدالت را عاملی مستقیم برای دوام و ثبات نعمت‌ها و جلوگیری از زوال آنها می‌داند، اما در جامعه‌شناختی اثرگذاری عدالت بر دوام و ثبات نعمت‌ها نه به صورت مستقیم بلکه از طریق تقویت همبستگی و کاهش تضادهاست. افزون بر این نگاه اسلامی بر اصول و ارزش‌های اخلاقی استوار شده است و عدالت با رضایت خداوند و برکات در ارتباط قرار می‌گیرد، اما نگاه جامعه‌شناختی بر ساختارهای اجتماعی و کارکردهای سیستم‌ها متمرکز است و عدالت به عنوان سازوکاری برای جلوگیری از بحران‌ها و تقویت عملکرد اجتماعی تحلیل می‌شود.

۱-۶. افزایش مشروعیت و پشتیبانی مردمی از نهادهای حاکم

حمایت مردم از حکومت یکی از پیامدهای اجتماعی مهم عدالت محوری است که در زیست اجتماعی جوامع نقشی کلیدی بازی می‌کند. عدالت، با ایجاد احساس برابری و رعایت حقوق افراد، اعتماد و وفاداری عمومی نسبت به حکومت را تقویت می‌کند. هنگامی که مردم

۱. برای یافتن این مطلب پیشنهاد می‌شود فصل‌هایی را که به سرمایه اجتماعی و رابطه آن با اعتماد و همکاری انسانی پرداخته‌اند، بررسی کنید. در متن ترجمه، بخش‌های مرتبط با نقش عدالت و سرمایه اجتماعی معمولاً در فصول ابتدایی کتاب و در مباحث مربوط به جامعه مدنی و نحوه عملکرد آن به تفصیل آمده است. بررسی فصل‌های مرتبط با تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نهادهای مدنی می‌تواند راهنمای خوبی باشد.



شاهد رفتار منصفانه حکومت در تصمیم‌گیری‌ها و توزیع منابع باشند، تمایل بیشتری به مشارکت فعال در امور عمومی و حمایت از نهادهای حکومتی خواهند داشت. این حمایت، به‌نوبه خود، موجب تقویت مشروعیت حکومت، حفظ انسجام اجتماعی و تقویت همبستگی ملی می‌شود.

۱-۶-۱. نگاه اسلامی

از منظر اسلامی، عدالت محوری یکی از ارکان اساسی در ایجاد اعتماد متقابل میان مردم و حکومت است. هنگامی که عدالت در توزیع منابع و اجرای قوانین رعایت شود، مردم احساس تعلق به حکومت می‌یابند و در نتیجه از آن حمایت می‌کنند. برای نمونه امام علی (علیه السلام) با نگاه جامعه‌شناختی به معنای مشروعیت،^۱ عدالت و اعتماد مردم و حکومت به یکدیگر را بسیار مهم می‌دانند و عدالت را عامل ایجاد اعتماد میان حکومت و مردم و اطاعت مردم از حکومت برمی‌شمارند: «مَعَ اسْتِجْلَالِكَ حُسْنِ ثَنَائِهِمْ، وَتَبَجُّحِكَ بِاسْتِيفَاضَةِ الْعَدْلِ فِيهِمْ، مَعْتَمِدًا أَفْضَلَ قُوَّتِهِمْ بِمَا ذَخَرْتَ عِنْدَهُمْ مِنْ إِجْمَامِكَ لَهُمْ، وَالثِّقَةِ مِنْهُمْ بِمَا عَوَّدْتَهُمْ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ وَرَفَقِكَ بِهِمْ» (نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، بیروت، بی‌نا، ۱۳۸۷، ص ۴۳۶؛ نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۶۷)

۱-۶-۲. نگاه جامعه‌شناختی

ماکس وبر، یکی از جامعه‌شناسان برجسته، در نظریه خود درباره مشروعیت حکومت‌ها، حمایت مردم از حکومت را مبتنی بر باور به حقانیت و عدالت محوری حکومت می‌داند. به باور وبر، بی‌عدالتی در کادر رهبری یک حکومت، آن را فاقد مشروعیت می‌سازد و عدالت محوری حکومت و تن دادن به نظم سیاسی، حکومت را دارای مشروعیت می‌کند (کوزر، ۱۳۷۸ ص ۱۵۵). برخی دیگر از جامعه‌شناسان نیز وجود یک نظام اجرایی روشن و معین و پیراسته از قدرت دلبخواهی شخصی و بی‌عدالتی را شرط ضروری مشروعیت حکومت می‌دانند؛ هرچند عدالت را تنها شرط مشروعیت ندانسته و موفقیت نظام و وفاق ارزشی را از شرایط مشروعیت

۱. مشروعیت در حوزه جامعه‌شناسی، معنایی متفاوتی از حوزه سیاست دارد. در حوزه جامعه‌شناسی مشروعیت ناظر به چگونگی جامعه‌پذیر کردن مردم و توجیه آنها به اطاعت و پیروی از حکومت است، اما در حوزه سیاسی، ناظر به منشأ حقانیت حکومت و حق بودن اوامر و نواهی حکومت است.

برمی‌شمارند (کوزر، ۱۳۷۸، ۱۵۶-۱۵۷).

۱-۶-۳. مقایسه

در نگاه اسلامی عدالت یک اصل الهی و اخلاقی است که هدفش تکامل معنوی جامعه و نزدیکی به خداوند است و به کارکردهای حکومتی محدود نمی‌شود. در این نگاه، حمایت مردم از حکومت، وظیفه‌ای دینی است و به عدالت‌محوری حکومت محدود نمی‌شود، اما در نگاه جامعه‌شناختی، عدالت، ابزاری برای حفظ و بقای حکومت است و حمایت مردمی از حکومت براساس تصمیم‌گیری‌های حکومت بر اساس اصول عقلانی-قانونی و عدالت صورت می‌گیرد.

۱-۷. همبستگی ملی و تقویت مقاومت اجتماعی در برابر تهدیدات خارجی

یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی عدالت‌محوری، همبستگی ملی و تقویت مقاومت اجتماعی در برابر تهدیدات خارجی است. اطمینان افراد جامعه به عدالت‌محوری حکومت به انسجام اجتماعی ختم می‌شود و راه سوءاستفاده دشمنان از اختلافات داخلی را می‌بندد و مردم را به همکاری با حکومت در دفع تهدیدات ترغیب می‌کند.

۱-۷-۱. نگاه اسلامی

در نگاه اسلامی، عدالت‌محوری، محبت و یاری خداوند را به ارمغان می‌آورد و موجب تقویت توان داخلی و پیروزی بر دشمنان می‌شود. برای نمونه آیه ﴿وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (مائده/۴۲) با تأکید بر عدالت و محبوبیت عدالت‌پیشگان، به صورت غیرمستقیم نشان می‌دهد که عدالت‌محوری، نقشی کلیدی در تقویت همبستگی ملی و مقاومت اجتماعی در برابر تهدیدات خارجی در تمام سطوح دارد. محبت خداوند نسبت به عدالت‌پیشگان نه تنها نشانه حمایت الهی است، بلکه عاملی معنوی برای برانگیختن افراد جامعه در جهت پایبندی به عدالت برشمرده می‌شود. این حمایت الهی، همراه با انسجام اجتماعی ناشی از عدالت، پیروزی بر دشمنان را تضمین می‌کند. امام علی (علیه السلام) نیز بر پناهگاه قرار دادن دین و استفاده از شمشیر تأکید دارد و دین را عامل وحدت و همبستگی جامعه در برابر تهدیدات و عدالت را ابزار دفاعی جهت حفظ امنیت و اعتماد میان مردم می‌داند: «اجعل الدین كهفك،



والعدل سيفك، تنج من كل سوء وتظهر على كل عدو» (نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۱۹؛ لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۷۷). ایشان در موردی دیگر عدالت محوری را عامل پیروزی و ظلم و ستم را عامل شکست و تباهی معرفی می‌کند: «بالعدل تحیا الامم و بالظلم تهلك» (نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۱۹)

۱- ۷- ۲. نگاه جامعه‌شناختی

در جامعه‌شناسی نیز عدالت به صورت غیرمستقیم به استحکام همبستگی اجتماعی و افزایش توانایی مقابله با دشمنان کمک می‌کند. برای نمونه دورکیم به صورت غیرمستقیم عدالت را عامل همبستگی و تقویت مقاومت در برابر تهدیدات می‌شناسد. به باور ایشان تقسیم کار، خصلتی اخلاقی (دورکیم، ۱۳۸۱، ص ۵۷)، شرط بنیانی حیات جوامع و عامل نظم، هماهنگی و همبستگی اجتماعی و همیاری‌های دوستانه است (دورکیم، ۱۳۸۱، ص ۶۳)، اما این تقسیم کار با این نتایج درخشان بر عدالت بنیان گذاشته شده است (تقسیم کار، ۱۳۸۱، ص ۳۴۱، تی، بی تا تومور، ۲۵۳۶، ص ۳۲۳)

۱- ۷- ۳. مقایسه

در دو نگاه اسلامی و جامعه‌شناختی، ایجاد همبستگی و تقویت مقاوت در برابر تهدیدات خارجی از پیامدهای مهم عدالت محوری است؛ با این تفاوت که در نگاه اسلامی عدالت یک ارزش الهی و مقدس است که به تعالی معنوی و اجتماعی می‌انجامد، اما در نگاه جامعه‌شناختی، عدالت از منظر کارکردهای اجتماعی و پایداری ساختارها تحلیل می‌شود. افزون بر این در نگاه اسلامی، بُعد الهی پیروزی مدنظر قرار می‌گیرد و در نگاه جامعه‌شناختی، عملکردهای اجتماعی و تعامل گروه‌ها نقطه تمرکز است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد عدالت، در منظومه‌ی معارف اسلامی، تنها یک ارزش اخلاقی یا آرمانی نیست، بلکه بنیانی عملی و ساختاری برای تنظیم روابط اجتماعی، تثبیت مشروعیت حاکمیت و تحقق رفاه و امنیت در جامعه است. بررسی آیات قرآن و روایات نشان

می‌دهد عدالت‌محوری نقشی محوری در ایجاد انسجام اجتماعی، تقویت اعتماد عمومی، کاهش نابرابری‌ها، حفظ منابع طبیعی و انسانی و افزایش تاب‌آوری اجتماعی در برابر تهدیدات دارد. این بازتاب‌ها در نگاهی تطبیقی با نظریات جامعه‌شناسی معاصر نیز تأیید شده‌اند و در برخی موارد، عمق معنایی بیشتری را در منابع اسلامی می‌توان یافت. بر اساس تحلیلی که انجام گرفت، زیست شهری عدالت‌محور از منظر اسلامی نه تنها بر توزیع عادلانه منابع بلکه بر پایه‌هایی چون عدالت در حکم، مشارکت اجتماعی، امنیت روانی و برابری نهادی، استوار شده است. در نتیجه، عدالت‌محوری باید به عنوان یک اصل راهبردی در سیاست‌گذاری شهری، طراحی نهادهای عمومی و تنظیم قوانین در جوامع اسلامی در نظر گرفته شود.

پیشنهاد‌های سیاستی:

طراحی شاخص‌های عدالت شهری بر اساس آموزه‌های قرآنی، از جمله حق دسترسی برابر به خدمات، امنیت قضایی، مشارکت سیاسی و کرامت انسانی؛
نهادینه‌سازی رویکرد عدالت‌محور در برنامه‌ریزی شهری و توزیع منابع شهری در شهرهای اسلامی؛

تقویت نهادهای اجتماعی بر پایه عدالت ارتباطی، برای بازسازی اعتماد عمومی و ارتقای انسجام اجتماعی.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آیند انجام مطالعات میدانی بر اساس شاخص‌های عدالت اسلامی در کلان‌شهرها (مانند تهران، مشهد)؛

بررسی رابطه عدالت شهری و کیفیت زندگی از منظر سوره‌های قرآن مانند سوره نساء، مائده، شوری و غیره؛

تحلیل تطبیقی سیاست‌گذاری‌های عدالت‌محور در شهرهای اسلامی معاصر با آموزه‌های قرآنی.

نهایت آن که نوشتار پیش‌رو از ظرفیت نظری و عملی عدالت اسلامی برای تبدیل شدن به یک چارچوب بومی در حکمرانی شهری حکایت دارد که بهره‌گیری از آن می‌تواند به ارائه الگویی پایدار، کارآمد و انسانی برای زیست شهری در جهان اسلام منتهی گردد.

منابع

۱. پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی (مترجم: محمدتقی دلفروز). تهران: نشر نی.
۲. پارسونز، تالکوت (۱۳۸۷). نظام اجتماعی (مترجم: محسن ثلاثی). تهران: نشر مرکز.
۳. توسلی، غلام عباس (۱۳۶۹). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سمت. توکویل، الکسی (۱۳۴۷). تحلیل دموکراسی در آمریکا. (مترجم: مقدم مراغه‌ای). تهران: زوار.
۴. تی بی باتومور (۲۵۳۶). جامعه‌شناسی (مترجم: سید حسن منصور و حسینی). تهران: فرانکلین.
۵. حرعاملی، شیخ محمد بن حسن (۱۴۱۴). وسائل الشیعه. قم: آل الیبت.
۶. خزاز قمی. علی بن محمد (۱۴۰۱). کفایه الاثر. قم: نشر بیدار.
۷. دورکیم، امیل (۱۳۷۹). تقسیم کار اجتماعی (مترجم: باقر پرهام). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. دورکیم، امیل (۱۳۹۴). قوانین اخلاقی در جوامع مدرن (مترجم: محمود فرجامی). تهران: نشر نی.
۹. رابرت مرتون (۱۳۸۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی (مترجم: فریدون متفکر آزاد). تهران: نشر مرکز.
۱۰. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۷). علل الشرایع (مترجم: علی اکبر غفاری، ج ۱). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام. (مترجم: محمد تقی دانش‌پژوه). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۳۶۵). الوافی. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. کلینی. محمد بن یعقوب (۱۳۶۷). اصول کافی (مترجم و شارح: سید جواد مصطفوی). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. کوزر، لوئیس آلفرد (۱۳۷۸). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی (مترجم: فرهنگ

ارشاد). تهران: نشر نی.

۱۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۴). ساختار اجتماعی: قاعده و منطق در نظریه اجتماعی (مترجم

منوچهر صبوری). تهران: انتشارات علمی.

۱۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی (مترجم: حسن چاوشیان). تهران: نی.

۱۷. لومان، نیکلاس (۱۳۸۹). نظریه سیستم‌های اجتماعی (مترجم: حسن پویان). تهران:

انتشارات علمی.

۱۸. مسلم بن حجاج (۱۳۷۴). صحیح مسلم (مترجم: محمد فاضل). تهران: دارالکتب

الاسلامیه.

۱۹. مور، استفن (۱۳۷۶). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی (مترجم: ثاقب‌فر). تهران: ققنوس.

۲۰. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. بیروت: آل البيت.

۲۱. وبر، ماکس (۱۳۸۷). اقتصاد و جامعه (مترجم: رشید پوریسی). تهران: نشر مرکز.

۲۲. وبر، ماکس (۱۳۹۵). مشروعیت قدرت و دولت (مترجم: افشین خاکباز). تهران:

نشر مرکز.